

اخلاق مناظره در حکومت اسلامی

محسن ملک‌افضلی^۱

احسان دباغ^۲

مرتضی مطهری‌فرد^۳

چکیده

در نظام‌های حاکمیتی، امروزه برای آگاهی بخشی سیاسی، علمی، فرهنگی، مذهبی و... به مناظره به عنوان ابزاری کارآمد نگریسته می‌شود. در نظام و حکومت اسلامی نیز این امر پشتوانه‌های متعددی دارد و همواره مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق برآنست تا تبیین نماید که چه شاخص‌ها و چارچوب‌هایی مناظره را در قالب الزامات اخلاقی به مطلوبیت می‌رساند. جهت نیل به اهداف مناظره باید قالب‌ها و چارچوب‌های اخلاقی و قانونی مد نظر قرار گیرد تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری شود و رویش‌هایی را به اقتضا در پی داشته باشد. گزاره‌های اخلاقی به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار باید مبنای تدابیر مدیران در برنامه‌ریزی‌های حکومت اسلامی در این زمینه قرار گیرد که در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی سعی شده است تا حد امکان با مراجعه به منابع اصیل اسلامی و با رجوع و توجه به آیات و روایات و سیره معصومین (ع) پژوهشی در رابطه با موضوع مزبور ارائه شود تا در سیاستگذاری‌های نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

اخلاق مناظره، حکومت اسلامی، اهداف، چارچوب‌ها، کارکردها

Email: mohsenmalekafzali@yahoo.com

Email: e.dabbagh@yahoo.com

Email: motaharifardmorteza@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰

۱. دانشیار جامعه المصطفی العالمية

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآنی دانشگاه قم

۳. کارشناسی ارشد فقه سیاسی دانشگاه قم و دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۷

طرح مسأله

اخلاق مفهومی گسترده است که در میان انسانها رویکردها و تعاریف زیادی از آن ارائه شده است. صرفنظر از درستی یا نادرستی این رویکردها در هیچ فعلی از انسان نمی‌توان اخلاق را از ماهیت انسانی بشر جدا کرد. اگر اصول اخلاقی در اعمال و رفتارهای انسانها بروز و ظهور نماید، ثمرات عدیده‌ای از کنشهای انسانی پدیدار خواهد شد که قبل از هرکس خود عامل به اخلاق از آن بهره خواهد برد. تمامی تلاش‌های بشر در جامعه برای انتظام بخشی، با نهادینه شدن اخلاق در گفتار، پندار و کردار اشخاص است که نتیجه خواهد داد. در این نوشتار، در مورد اخلاق مناظره سخن خواهیم راند. البته در این تحقیق مناظراتی که مخاطبان کثیر دارد و معمولاً از رسانه‌های عمومی پخش یا منتشر می‌شود مدنظر است. همچنین صرفنظر از محتوای مناظرات که می‌تواند سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... باشد به موضوع پرداخته شده است؛ هرچند که در مذاکرات سیاسی یا علمی که به مبانی سیاست پرداخته می‌شود و بحث از منافع و تفوق‌طلبی در آن معمولاً پررنگ‌تر است، ضرورت اخلاق‌مداری بیش از دیگر عرصه‌ها مهم جلوه می‌کند. در زمینه مناظره کتب و مقالات زیادی به رشته‌ی تحریر درآمده است که در آن‌ها به آداب مناظره پرداخته شده است که در این تحقیق قواعد اخلاقی عامی که قابل تطبیق بر مناظرات در حکومت اسلامی است به علاوه‌ی بایسته‌های سیاستگذاری در این زمینه مورد بررسی قرار داده شده است، چرا که مناظره از منظر راهبردی برای حکومتها حائز اهمیت زیادی است که در تبیین سیاستها، مشارکت‌دهی آحاد مردم و... ضرورت دارد. این تحقیق برآنست تا تبیین کند که یک مناظره اخلاق مدار چه ویژگیهایی باید داشته باشد، ثمرات پایبندی به اصول اخلاقی در مناظرات چیست، حکومت در راستای نهادینه کردن اخلاق در مناظرات چه وظایفی دارد.

در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی سعی شده است تا حد امکان با مراجعه به منابع اصیل اسلامی پژوهشی در رابطه با موضوع مزبور ارائه شود تا در سیاستگذاریهای حکومت در این مقوله بکار گرفته شود. روند بحث نیز در این مقاله به این صورت است که ابتدا کلیات و تعریفی ارائه می‌گردد و پس از پرداختن به کارکردها و ضرورتهای مناظره، چارچوبهای اخلاقی مناظره مطرح می‌گردد و در آخر به بایسته‌های حکومت جهت تامین این موارد اشاره می‌شود.

مناظره در لغت و اصطلاح

مناظره^۱ در لغت از ماده "نظر" است و "نظر" به برگرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیزی گفته می‌شود. مقصود از این دیدن، تأمل و تحقیق درباره آن است. و نیز مقصود از دیدن و تأمل، بدست آوردن معرفت و شناختی است که بعد از تحقیق حاصل میشود و آنرا "رویه" یعنی اندیشه و تدبیر گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۲). هم چنین

مناظره به معنی با هم نظر کردن، یعنی فکر کردن، بحث در حقیقت و ماهیت چیزی و پرسش و پاسخ گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۱۵۶۲). به گفته خواجه نصیرالدین طوسی، مناظره میان دو صاحب رأی متقابل بود که هر یک متکفل بیان رأی خود باشند، به شرط آن که هر دو، بعد از وضوح، مساعدت حق کنند؛ و مباحثه استکشاف غامضی بود، به طریق تعاون (نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۵: ۴۴۸).

در اصطلاح منطقی، مناظره را این گونه تعریف می‌کنند: «المناظرة من النظر و الاعتبار و الغرض منها المباحثة عن الرأيين المتقابلين، فيتكفل كل واحد من المتناظرين بتأييد جانب لإيقاع العلم لذلك تلحق المناظرة بالتعليم، لأنَّ غرض المتناظرين حصول العلم» (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۲). «کلمه مناظره از ریشه نظر و اعتبار گرفته شده و غرض از آن مباحثه پیرامون دو رأی متقابل است و هریک از طرفین مناظره در صدد تأیید یکی از دو جانب بحث برای ایجاد علم در طرف مقابل است لذا مناظره به آموزش ملحق می‌شود زیرا هدف مناظره کنندگان، حصول علم است». راغب اصفهانی درباره مناظره می‌نویسد: «الْمُنَاطَرَةُ، الْمُبَاحَثَةُ وَ الْمُبَازَاةُ فِي النَّظَرِ، وَ اسْتِحْضَارُ كُلِّ مَا يَرَاهُ بِبَصِيرَتِهِ، وَ النَّظَرُ: الْبَحْثُ... مُنَاطَرَةُ، گفتگوی رو در رو و نبرد نظری با سخن و خطابه است و نیز بیان آنچه را که به بصیرت درک می‌شود و نظر، همان بحث و بررسی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۴). این منظور نیز در تعریف مناظره می‌گوید: الْمُنَاطَرَةُ: أَنْ تُنَاطِرَ أَخَاكَ فِي أَمْرٍ إِذَا نَظَرْتُمَا فِيهِ مَعًا كَيْفَ تَأْتِيَانِهِ. مناظره، آن است که با طرف مقابل خود برای رسیدن به نتیجه در موضوعی مشخص به گفتگو بنشینید (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۱۷).

مفهوم شناسی اخلاق

واژه ی «اخلاق» در اصل عربی و جمع «خُلُق» و «خُلُق» است و در لغت به معانی گوناگون آمده است؛ همچون: ویژگی ذاتی، حالت طبیعی، خوی، فطرت، جوهره (الزبیدی، بی‌تا: ۶ / ۳۳۷) و طبیعت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۳۳۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۵۶) و نیز به معنای سرشت و سنجیه، اعم از سنجیه و سرشت نیکو و پسندیده- مانند جوان مردی و شجاعت - یا زشت و ناپسند - مانند بخل و فرومایگی آمده است.

عموم لغت شناسان، «خُلُق» را با واژه «خُلُق» هم ریشه دانسته‌اند. وقتی گفته می‌شود: «فلان کس خُلُق زیبایی دارد»، بدین معناست که سرشت یا صفت معنوی و درونی زیبایی دارد؛ هم چنان که وقتی می‌گویند: «فلان کس خُلُق زیبایی دارد»، اشاره به ظاهر زیبا و اندام متناسب و هماهنگ او است (الزبیدی، بی‌تا: ۶ / ۳۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۹۴). به گفته ی «راغب اصفهانی»، واژه ی «خُلُق» (به فتح یا ضم خ) در اصل به یک ریشه باز می‌گردد؛ با این تفاوت که «خُلُق» به معنای هیأت، شکل و صورت ظاهری است که انسان با چشم سر می‌بیند و «خُلُق» به معنای قوا، سجایا و صفات درونی که با چشم دل دیده می‌شود و آثار آن در گفتار و رفتار فرد بروز می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۷) آن چه از دیدگاه اهل لغت در باب شناخت معنای «اخلاق» در

خور تأمل و دقت است این است که به نظر آنان خلق و خوی، مانند ویژگی‌های فیزیکی و جسمی ریشه در اعماق وجود انسان دارد و به آسانی قابل تغییر و زوال نیستند؛ مگر با برنامه ریزی‌های درست و دقیق تربیتی و پرورشی که مربی اخلاق بتواند با نهادینه کردن فضایل اخلاقی در درون فرد، رفتارهای زشت را به کلی از وی ریشه کن کند. بنابراین، اخلاق در نزد لغویان به معنای صفت یا ملکه‌ای است در نفس انسان که منشأ صدور افعال خیر و شر از وی می‌شود، بدون تفکر و تأمل. علمای علم اخلاق نیز معنایی نزدیک به گفتار اهل لغت، برای «اخلاق» بیان کرده‌اند همه‌ی آن‌ها بر این امر تأکید دارند که خلق عبارت است از ملکه (این مسکویه، ۱۳۸۱: ۳۶) و هیئت خاصی که در نفس انسان رسوخ دارد (فیض کاشانی، ۱۳۶۲: ۹) و مبدأ صدور رفتارهایی است که بدون تفکر و تأمل و به آسانی از او صادر می‌شود.

(نیشابوری، ۱۳۴۱: ۲۰) ملکات نفسانی دو دسته‌اند: فطری و ذاتی که جزو سرشت آدمی است و اکتسابی که با تلاش و تمرین و عادت به دست می‌آید. کلمه «اخلاق» دو کاربرد دارد: گاه به خود آن ملکات نفسانی اطلاق می‌شود و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی (ولو با فکر و اندیشه) ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: صص ۲۴-۲۳). در عرف عام کاربرد دوم بیشتر رایج است؛ وقتی گفته می‌شود فلان کس اخلاق نیکو دارد، برداشت عمومی آن است که رفتارش نیکوست (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۹).

ضرورت مناظره برای حکومت اسلامی

بزرگترین ثمره مناظره افزایش آگاهی‌های عمومی مردم است، که موجب مشارکت در شئون جامعه می‌گردد. در هر جامعه رکن اساسی حرکت رو به رشد مشارکت سیاسی مردم است. در نظام اسلامی مشارکت سیاسی، معنایی وسیع‌تر به خود می‌گیرد، چرا که سیاست، فرهنگ، عقاید و دیانت مردم در هم تنیده شده است. مشارکت سیاسی^۱ درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. همچنین این مفهوم به معنای تلاش شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت است (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۲۵) در واقع مشارکت سیاسی نوعی تظاهر علنی اراده مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است. فقط از طریق مشارکت است که قدرت سیاسی به طریق مسالمت‌آمیز دست به دست می‌گردد و میزان توسعه سیاسی^۲ یک کشور بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۰۱) مشارکت سیاسی آن هم به صورت آگاهانه و فعالانه سرمایه‌گران بهایی است که ضامن بقا و عامل مصونیت هر نظام حکومتی به شمار می‌آید. اکثر نظریه‌ها بر همبستگی مثبت بین

1. Political Participation
2. Political development

مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها و بالا رفتن کیفیت و کارایی تأکید می‌ورزند. پژوهش‌های انجام شده (ر.ک به: طوسی، ۱۳۷۰ به نقل از نیکزاد، ۱۳۷۹: ص ۶۳) نشان دهنده همبستگی معنی‌دار بین مشارکت افراد در امور اجتماعی و اثربخشی و کارایی آنان است. مشارکت در ابعاد مختلف اجتماعی سیاسی خلاقیت را افزایش می‌دهد، از آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌کاهد و سرانجام موجب افزایش رضایت افراد می‌شود و در آن‌ها احساس مسئولیت به وجود می‌آورد. در تعریف مشارکت سیاسی گفته شده است: «مشارکت سیاسی رفتاری است که برنتایج و تصمیمات حکومتی اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری دارد» (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۱). به نظر می‌رسد مشارکت سیاسی بر دو پایه بنیان نهاده شود: ۱- اعمال نظارت و تصمیم‌گیری مردم در سرنوشت کشور و داشتن احساس قدرت و اختیار و تکلیف؛ ۲- امید به ترقی طبقاتی در همه مردم در هر سطح. یکی از اندیشمندان علوم اجتماعی به نام رابرت دال^۱ برای تبیین مشارکت سیاسی افراد، عواملی را مطرح کرده است:

- ۱- هرگاه شخصی بین شقوق پیش روی خود تفاوت‌های بارزی احساس نکند، در نتیجه کمتر به سیاست خواهد پرداخت و بنابراین میزان درگیری او در امور سیاسی کاهش می‌یابد. مانند زمانی که تمام نامزدهای انتخابات از یک جناح خاص سیاسی باشند و از نامزد شدن افرادی که دیدگاه متفاوتی دارند و یا وابسته به جناح رقیب هستند، جلوگیری شود.
- ۲- اگر مردم در ارزیابی‌های خود پاداش حاصله از درگیری‌های سیاسی را کمتر از دیگر فعالیت‌ها ارزیابی کنند، حتماً خود را کمتر درگیر عمل سیاسی می‌کنند؛ چنان‌چه هزینه مشارکت سیاسی، هزینه بالایی باشد باز هم درجه مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد.
- ۳- هرگاه شخص فکر کند دانش و آگاهی او محدودتر از آن است که بتواند با داخل شدن در سیاست به کارایی کافی برسد ترجیح می‌دهد که کمتر در آن مشارکت کند. احساس این که سیاست را خوب نمی‌فهمد موجب می‌شود حتی‌الامکان از سیاست خود را دور نگه دارد (دال، ۱۳۶۴: ۸۸).

موارد بالا به طور مستقیم با جهل و عدم آگاهی نسبت به اهمیت مشارکت و کیفیت مشارکت در ارتباط است. اساساً هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی به صورت بحث درباره مسائل مربوط و یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوطه قرار داشته باشد، احتمال مشارکت سیاسی و اجتماعی وی بیشتر می‌شود. براساس نظریات فوق، فرضیه ای طی پژوهش‌های متعدد به این شکل مطرح شد: «بین میزان آگاهی سیاسی افراد با میزان مشارکت آن‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد» (نیکزاد، ۱۳۷۹: ۶۶). در شرایطی که ساز و کارهای فرهنگی افزایش آگاهی مردم و به تبع آن مشارکت آنان فراهم باشد، زمینه ی بسط و توسعه ی

1. Robert Dahl

آیین‌های مدنی، باورهای مشترک و پیشگیری از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی فراهم می‌شود و با تولید و بازتولید ارزش‌های انسانی در جامعه، بالتبع سایر ارزش‌های حیاتی، که منافع ملی، اهداف ملی، امنیت ملی و... ترجمان آن هستند، تضمین خواهد شد. در غیر این صورت، با ایجاد گسست در مبانی اجتماعی و سیاسی و باورهای عمومی، که نتیجه‌ی بلامعارض عدم پیوند و تعامل بین مردم و دولت است، امنیت ملی نیز در مقابل انواع آسیب‌ها شکننده خواهد بود و در واقع حساسیت‌هایی که می‌باید به طور متعارف و طبیعی حل و فصل گردد، به تهدیدی مبدل می‌شود که کل نظام را با مخاطره‌ی جدی روبه‌رو می‌سازد. در این باره امام خمینی می‌فرماید: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و هم‌گامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴/۲۴۸).

فواید و کارکردهای مناظره

مناظره اگر مطلوب و پسندیده که مورد نیاز بوده، در امور مهم و اساسی صورت گیرد و نسبت به سایر مسائل در اولویت قرار داشته باشد و به وقایع مهم دینی، سیاسی و اجتماعی یا مسأله قریب الوقوع اختصاص یابد و موضوعی مهم و حیاتی را محور قرار دهد نه یک امر جزئی و پیش پا افتاده را (چرا که در غیر این صورت موجب اتلاف وقت، صرف هزینه‌های بی‌مورد و هدر رفتن نیرو می‌شود) می‌تواند کارکردهای فراوانی بدارد. در حکومت اسلامی در صورتی که مناظره کنندگان با هدفی الهی و خالص و دارا بودن کفایت علمی لازم به مناظرات بپردازند قطعاً می‌توانند شبهات مخاطبانی را که دارای ضعف فکری و عقیدتی هستند، بزدايند و مصداق کسانی باشند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کنند. در واقع اگر مناظره کنندگان آداب مناظره را رعایت کند و آفات و نتایج سوء مناظره نادرست را شناسایی و مراعات نمایند، بحث و مناظره‌ی آنان با رعایت شرایط آن و احتراز از آفاتی که بعداً ذکر خواهد شد، فواید و عواید سودمندی را به دنبال خواهد داشت:

۱- مهمترین فایده‌ی مناظره، سویه‌ی آموزشی آن است. آموزش علوم مختلف، دین، عقاید، اخلاق، سیاست و... در مناظره از یک سو کلیه اطلاعات راجع به موضوعی جمع‌آوری می‌شود و از سوی دیگر با بیان آن منتشر می‌شود. اهمیت این آموزش‌ها نیز در آن است که اولاً، چون نتیجه بحث و استدلال است، در اذهان ماندنی است و ثانیاً، به دلیل غیر مستقیم بودن، پذیرفتنی‌تر و جذاب‌تر است. ارزش بلاغی مناظره در حین پیام دهی غیر مستقیم آن است. امام صادق (ع) به اصحابش می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْاِحْتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۳۰۰؛ و مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷/۷۱) «مردم را بغیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکو کاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند». همچنین مناظره عامل و انگیزه‌ی تمایل و گرایش افراد به علم و

دانش است؛ زیرا اگر علاقه به سیادت و رفعت به وسیله از دل و فکر مردم بیرون برود، علوم و دانش‌ها دچار فرسودگی می‌گردد.

۲- یکی دیگر از فایده‌های مناظره این است که محاسن و معایب مسئله یا موضوع مورد بحث آشکار می‌شود و در نتیجه امکان توسعه و تکامل آن فراهم می‌آید. همچنین مناظره به منظور بازیافتن دقیق مأخذ و اسناد علم و آگاهی صورت می‌گیرد. ذهن انسان از مجرای چنین مناظره‌ای، ورزیده شده و جان و روح آدمی نیرومند می‌گردد.

۳- مناظره همچنین در ظهور مردم سالاری و آزادی بیان بسیار موثر است. به جهانیان ثابت میکند که در یک حکومت مردم و مسئولان روابط شفاف دارند و مخفی کاری ندارند.

۴- مناظره با ماهیت هیجان زای ذاتی خود می‌تواند انگیزه‌های مشارکت و سهیم شدن در جامعه را بهبود بخشد (مطهری فرد، ۱۳۹۴: ۲۹).

۵- مناظره با پرورش اذهان و بالا بردن درک شرایط، قدرت تصمیم‌گیری را در جامعه افزایش می‌دهد (بیانات رهبری در نماز جمعه ۱۳۸۸/۰۳/۲۹).

۶- مناظره با تضارب آرا می‌تواند نقاط مشترک را برجسته و در نقاط متعارض اندیشه‌ها با طرح بحث، نوعی وحدت و همدلی و انسجام ملی ایجاد نماید.

۷- مناظره می‌تواند در زدودن شبهه‌های گوناگون در سطوح مختلف ممد باشد زیرا گاه این شبهه‌ها کمتر مجال مطرح شدن و شبهه زدایی را دارند.

آداب مناظره اخلاقی

آداب مناظره، مجموعه ضوابطی است که هنگام بحث و گفت‌وگوی فلسفی، علمی، دینی و اعتقادی باید مراعات شود. در جهان اسلام، گاهی به جای «آداب المناظره»، اصطلاح «آداب البحث» به کار رفته است. در قسمت مفاهیم اشاره شد که اخلاق در معنای عرفی خود به فضیلت‌مداری و رعایت آداب رفتاری صحیح بر مبنای اصول فطری می‌باشد. از آنجا که تبیین شرایط و آداب مناظره می‌تواند ما را در رسیدن به یک مناظره اخلاقی مطلوب و با مبانی درست یاری رساند، در ادامه به مهم‌ترین شرایط و آداب مناظره به گونه اختصار می‌پردازیم:

۱- تبیین حقیقت و حقیقت‌جویی

از مهم‌ترین آداب یک مناظره اخلاق مدار و مطلوب در اسلام، حقیقت‌جویی است. قرآن به مسلمانان می‌فرماید که به دور از جدال باطل و مذموم که در آن تنها بر پیروگی و غلبه بر خصم تمرکز یافته است، به سوی جدال احسن و گفت‌وگوهایی رو آورند که حقیقت برایشان آشکار شود. لذا در غیر این صورت مناظره جدال باطلی است که مومنان و خردمندان نباید به آن بپردازند؛ زیرا انجام چنین گفت‌وگوهایی نه تنها موجب وحدت و اتحاد میان انسان‌ها نمی‌شود بلکه زمینه افزایش اختلاف و تنش نیز می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۱۳۸).

﴿وَلَا تُجَدِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (عنکبوت: ۴۶)

یکی از شرایط مجادله احسن این است که طرفین، علاقه‌مند به روشن شدن حق و یافتن آن باشند، و در نتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند، و لجاجت و عناد به خرج ندهند، لذا حق و حقیقت، گمشده هر فرد با ایمانی است که بدینسان باید در صدد پویایی از آن برآید (شهید ثانی، ۱۳۸۹: ۲۸۵). اساسا اسلام گروه‌گرا، و تفرقه طلب نیست، بلکه به دنبال تبیین حقیقت است. آوای اسلام آوای وحدت است و تسلیم بودن در برابر هر سخن حق (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۰۱).

۲- شرح صدر

اگر وجود مبارک پیامبر خدا ﷺ صاحب نام و یادنامه‌ای بس رفیع و بلند گردید: ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ (الشرح: ۴)، علتش شرح صدر ایشان در گفتگو با مردم و دعوت آن‌ها به دین خدا بود: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (الشرح: ۱) و اگر موسای کلیم ﷺ از پیامبران اولوا العزم گردید و مستضعفان را از دست مستکبران نجات داد، تکیه بر شرح صدر داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳۹). توضیح آنکه حضرت موسی ﷺ وقتی در آستانه مناظره با فرعونیان قرار داشت هم به شوکت و قوت قبطیان آگاه بود و هم به طغیانگری آنان، فرعونی که با خدا بر سر ربوبیت منازعه نموده به بانگ بلند می‌گفت:

﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾ (النازعات: ۲۴)

و نیز از ضعف و اسارت بنی اسرائیل در میان آل فرعون با خبر بود، و می‌دانست چقدر جاهل و کوتاه‌فکرند و همچنین با لکنتی که داشت، از پروردگارش درخواست کرد که برای حل این مشکلات سعه صدر به او بدهد تا تحملش زیاد شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴ / ۱۴۵ و ۱۴۶)، ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ ۵۵ و ﴿يَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾ ۵۶ و ﴿وَأَخْلِلْ عِقْدَةً مِن لِّسَانِي﴾ ۵۷ ﴿يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ ۵۸ (طه: ۲۸-۲۵) بنابراین شرح صدر، وصف ممتاز پیامبران الهی است و عالمان الهی که وارثان راستین آنان‌اند، هر کدام در حدّ خود از این فیض فائز شده‌اند. نتیجه آنکه شرح صدر از فضایل اخلاقی بزرگ به شمار می‌رود که عدم رعایت آن موجب برهم خوردن قوای نفسانی می‌گردد و انسان را از دایره اخلاق خارج می‌کند و لازم است که مناظر حق طلب در گفتگو با مخاطبان از این ویژگی برخوردار باشد.

۳- احترام متقابل

از اصول اولیه اخلاق احترام به غیر است. وقتی دو نفر (یا گروه) با اعتقادات و گرایشات مخصوص به خود مناظره می‌کنند، باید اصل را بر احترام متقابل به معتقدات یکدیگر بنا نهند، هرچند هر یک از آن‌ها نزد خود دلایلی در ردّ مدّعی دیگری داشته باشد. آنان باید فقط در پی آشکارسازی حق و ارائه استدلال و منطق باشند و در جریان بحث باید به شدّت از بی‌احترامی و دشنام نسبت

به آنچه برای طرف دیگر بحث محترم است پرهیز کنند. همچنین باید بدانند که آن دو تنها نیستند، بلکه طرف سومی در اینجا مطرح است و آن شنوندگان یا خوانندگان مباحث آنانند، از این رو دو طرف باید برای فهم و شعور گروه سوم نیز ارزش و احترام قائل باشند، و طوری بحث کنند تا آنان فرصت تأمل در دلایل و برهانهای هر یک از دو طرف را داشته باشند و داوری نهایی را به مخاطبان حق طلب واگذارند. چنان که از قول امام علی علیه السلام خطاب به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در جنگ صفین دشنام می‌دادند، می‌خوانیم:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لِكَيْتُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ خَالَئَهُمْ كَأَنْ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أُبْلَغَ فِي الْعُدْرِ...» (نهج البلاغه، کلام ۲۰۶)؛ من خوش ندارم که شما فحاش باشید، اگر شما به جای دشنام، اعمال آن‌ها را برشمردید و حالات آن‌ها را متذکر شوید (و روی اعمالشان تجزیه و تحلیل نمائید) به حق و راستی نزدیکتر است و برای اتمام حجت بهتر.

همچنین امام صادق علیه السلام در خلال مناظره با استفاده از واژه‌های مؤدبانه و احترام آمیز آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌داد. مثلاً هنگامی که نزدیکی از مصر برای مناظره با حضرت به مدینه و بعد از آن به مکه آمده بود، حضرت او را چنین خطاب فرمود: «یا اخی اهل مصر»، ای برادر مصری (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۲/ ۳۳۵).

بنابراین رعایت احترام به معتقدات مخاطب و پرهیز از ناسزا گویی و دادن القاب نامناسب از آداب مهم مناظره اخلاق مدار به شمار می‌رود.

۴- تبعیت از بهترین سخن

در مناظره باید طرفین بهترین سخنان را همراه با جذابیت بیان کنند و اگر با سخن احق روبرو شدند در مقابل آن موضع مخالفت نگیرند. چنان که قرآن می‌فرماید:

﴿... فَبَيِّنْ عِبَادَ اللَّهِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ ... پس بندگان مرا بشارت ده!... همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آن‌ها خردمندانند.

نشانه داشتن خرد و عقل پیروی از حق است، همچنان که تکمیل عقل نیز منوط به پیروی از حق است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۷/ ۷۵) از ویژگیهای عمل اخلاق مدار نیز نزدیکی به حق است، چرا که اخلاقی یا غیراخلاقی بودن یک عمل با آن سنجیده می‌شود.

۵- گفتار صادقانه، استوار و خلل ناپذیر

لازم است کسی که در مناظرات شرکت می‌کند به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد، و نیز گفتار خود را بیازماید، که استوار بوده، لغو و یا مایه افساد نباشد. همان طور که قرآن مجید می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۖ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾ (احزاب: ۷۰ و ۷۱)؛ ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... تا خدا کارهای شما را اصلاح کند...

کلمه "سدید" از ماده "سداد" است، که به معنای اصابت رأی، و داشتن رشاد و دور از انحراف است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳/ ۳۳۶)، و قول سدید، از ماده "سد" به معنی "محکم و استوار" است یعنی کلامی خلل ناپذیر که موافق حق و واقع است و لغو هم نمی‌باشد که همچون یک سد محکم جلو امواج فساد و باطل را می‌گیرد (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۷/ ۴۴۷).

در چنین وقتی اعمال انسان صالح می‌شود و سخن او در گفتگوها به پذیرش مخاطبان نزدیک می‌شود (همان).

۶- بیان نرم و آرام

یکی دیگر از آداب جلب و جذب مخاطب در مناظره مخصوصاً در وهله نخست آن است که با تندی به عقاید و افکار شخص مقابل حمله نشود، بلکه با بیانی نرم و آرام کاری کرد تا نوعی همراهی را با سوی دیگر گفت و گو بیابد. اصولاً قراردادن شخص در حالت تدافعی موجب می‌شود تا از همراهی و پذیرش نظر و فکر طرف مقابل خودداری کند. در این حالت است که پایبندی به اخلاقیات در دو طرف کاسته می‌شود. از این رو نرمی می‌تواند شخص را از حالت موضع گیری به حالت فهم و تفاهم منتقل کند. خداوند متعال در قرآن خطاب به حضرت موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام می‌فرماید:

﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه: ۴۴)

پس به نرمی با او (فرعون) سخن بگویید شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!

کلمه "تذکر" به معنای قبول یادآوری و التزام به مقتضیات حجت یاد آورنده و ایمان به آن است و کلمه خشیت به معنای مقدمه آن قبول و ایمان است. در جمله ﴿لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ تذکر و یا خشیت فرعون آرزو شده، و این امید، قائم به مقام محاوره و مناظره است نه به خداوند متعال چرا که خدا می‌دانست که فرعون نه متذکر می‌شود و نه می‌ترسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/ ۱۵۴).

۷- عالمانه و برهانی بودن سخنان

لازم است مناظره ها عالمانه و برپایه دانش شکل گیرد و دو طرف گفت و گو نسبت به موضوع، از علم و آگاهی و براهین لازم و کافی برخوردار باشند؛ زیرا هدف از گفت و گوها و مناظره های پسندیده، واکاوی افکار و آراء، دست یابی به حقیقت، روشنگری و ایجاد تفاهم علمی و عملی است. بنابراین هرگونه گفت و گویی که براساس اما و اگرها، شایدها و گمان ها و گمانه زنی ها و

مانند آن انجام می‌گیرد، گفت و گویی ناپسند است و نمی‌تواند ثمره‌ای برای دو سوی گفت و گو داشته باشد، بلکه حتی ممکن است اختلاف‌ها را تشدید کرده و به جای تفاهم و روشننگری، بر ابهامات و شبهات آن بیفزاید و آتش معرکه را نیز گرم‌تر کند. از نظر قرآن هرگونه مجادله و مناظره جاهلانه و به دور از علم و دانش، می‌تواند آثار مخرب و زیانباری را به جا گذارد و مسیر گفتگو را به سوی کفر و شرک و گمراهی بکشاند؛ (حج: ۳ و ۸؛ و لقمان: ۲۰) زیرا بیان مطالب به دور از علم و دانش، تنها موجبات گمراهی مردم می‌شود و هیچ ثمره‌ای برای مناظره کنندگان به دنبال نخواهد داشت. البته دشمنان اسلام و حقیقت، از آن جایی که در فکر گمراهی مردم هستند از سخنان بدون برهان و علم بهره می‌برند و می‌کوشند تا با بیان مطالبی به دور از علم و دانش، مردم را به شبهه افکنند و راه حق را بر آنان بیوشانند چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ﴾ (غافر: ۵۶)

کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آن‌ها آمده باشد ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌هایشان فقط تکبر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید... جمله ﴿إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ﴾ در این آیه شریفه، علت مجادله ایشان را منحصر می‌کند در کبر ایشان، و می‌فرماید: عاملی که ایشان را وادار به این جدال می‌کند، نه حس جستجوی از حق است و نه شک در حقانیت آیات ما تا بخواهند با مجادله حق را روشن کنند، و حجت و برهانی هم ندارند، تا بخواهند با مجادله، آن حجت را اظهار بدارند بلکه تنها عامل جدالشان آن کبريست که در سینه دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۷/ ۳۴۱).

بنابراین گفت و گو و مناظره با چنین اشخاصی نادرست است و با سایرین نیز باید با سخنان مبتنی بر علم به مناظره پرداخت. در روایتی از قول زراره می‌خوانیم که از امام باقر علیه السلام پرسیدم: حق خداوند بر بندگان چیست؟ امام فرمود: این است که چیزی را که می‌دانند بگویند و در آنچه نمی‌دانند توقف کنند (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۴۲۰؛ و کلینی، ۱۳۶۵: ۴۳/ ۱) بنابراین در اینجا مناظره کننده در قبال هم حقیقت علم و هم مخاطبین و هم طرف مقابل از نظر اخلاقی مسئول است.

۸- پرهیز از سخنان تشنج آمیز

اصول اخلاقی ایجاب می‌کند که طرفین مناظره ولو اینکه برحق هم باشند، در صورتی که مصلحت عمومی اقتضا کند از بیان سخنان تشنج آمیز که فضای جامعه را پرمخاطره می‌کند پرهیز کنند. حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خویش می‌فرماید سینه اش مالا مال از اخبار و اسراری است که برای پیشگیری از انحراف آرای مردم از نقل عمومی آن پرهیز دارد: «و الله لو شئت ان اخبر كل رجل منكم بمخرجه و مولجه و جميع شانه لفعت و لكن اخاف ان تكفروا في برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۰) «به خدا اگر خواهم هر یک از شما را خبر دهم که از

کجا آمده و به کجا می‌رود و سرانجام کارهای او چه بود توانم. لیکن ترسم که درباره من به غلو روید و مرا بر رسول خدا ﷺ تفضیل نهید». بنابراین مطالب باید با در نظر داشتن مصلحت زمانی و مکانی باشد. امام علی علیه السلام در این رابطه اینچنین می‌فرماید: «لاتتکلمن اذا لم تجد للكلام موقعا» (آمدی، ۱۳۳۵: ۶/۲۸۶).

۹- عدم افشای اسرار

امام صادق علیه السلام افشاء سر را سقوط به ورطه هلاکت و منجر به پیامدها و عواقب خطرناک برای جامعه می‌دانند. «افشاء السر سقوط» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۹/۷۸) قرآن کریم نیز مردم را از بزبان آوردن هر چه می‌دانند برحذر می‌دارد و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ﴾ (نساء: ۸۳) قرآن در سرزنش افراد یاد شده می‌فرماید اینان هرگاه امری اعم از آنکه به صلاح (امنیت) جامعه باشد و یا موجب رعب و ترس جامعه آن را (بلافاصله) ابراز می‌دارند. و سرانجام اینکه امام علی علیه السلام در یکی از نامه‌های خویش به این واقعیت اشاره می‌کند که برخی مطالب و اخبار و اسرار حتی برای رازدارترین افراد نیز نباید بازگو شود «الا و ان لکم عندی ان لاحتجز دونکم سرّاً الا فی الحرب» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۲۴).

بر این اساس افشای برخی اطلاعات طبقه بندی شده توسط برخی افراد هم با مختل ساختن امنیت جامعه یک امر غیراخلاقی شناخته می‌شود و هم با خیانت به جایگاه حق دسترسی به این اطلاعات از دایره اخلاق خارج می‌شود.

بایسته‌های سیاست‌گذاری حکومت در مناظره اخلاقی

قبلا بیان شد که مناظراتی مورد بحث این نوشتار است که گسترده بوده و از رسانه‌های جمعی منتشر یا پخش می‌شود. سیاست گذاری رسانه‌ای آمیزه‌ای از تجربیات گذشته، مصلحت عامه جامعه و آینده نگری رسانه‌ای است. سیاست گذار رسانه‌ای باید به چگونگی و قابلیت اجرا و عملیاتی شدن یک سیاست در جامعه نیز توجه داشته باشد. از آنجا که سیاست‌های رسانه‌ای در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی معنا پیدا میکنند، در نظر گرفتن مختصات فکری، معرفتی و همچنین، ویژگی‌های روان اجتماعی هر عصر و هر نسلی در سیاست گذاری رسانه‌ای بسیار اهمیت دارد (خاشعی، ۱۳۸۸: ۶۱). در مجموع می‌توان برای سیاست‌گذاری در مقوله مناظره در رسانه‌ها موارد زیر را پیشنهاد کرد:

۱. بومی سازی سیاستها: آنچه مربوط به حدود و ثغور ارتباطات و اخلاقیات است در

مرحله اول این نکته است که حدود و ثغور بررسی و تحقیق امری به نام اخلاق از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. این امر حرکتی عقلانی تلقی می‌شود که به وسیله آن تعیین می‌کنیم یک فرد به عنوان عضوی از جامعه چه کاری را باید به عنوان کار «درست» به طور داوطلبانه انجام دهد. (مولانا، ۱۳۷۵؛ به نقل از جلی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵) باید در هنگام سیاست‌گذاری در این

زمینه نهادهای زیربنا به خصوص صدا و سیما به فرهنگ جامعه و هنجارهای اخلاقی مختص آن دقت نمایند. هرچند اخلاق در جمهوری اسلامی بر اساس مفاهیم اسلامی هویت می‌یابد ولی این به معنی این نیست که عوامل دیگر در جامعه در تعریف عمومی اخلاق دخیل نباشند.

۲. پایه‌ریزی سیاستها بر اساس اسلام: سیاستها بر اساس اصول اخلاقی وابستگی و پای بندی به ارزشی خاص را فراهم می‌کند. وقتی صفت اسلامی را بر اخلاق می‌افزاییم، مرزی را برای آن تعیین کرده ایم که محتوای آن با مرزبندی دیگر که حاوی صفت‌های دیگر است می‌تواند متفاوت باشد (ر.ک به: محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۷۰-۷۵). در زمینه اخلاق مکاتب بسیاری به تئوری پردازی پرداخته اند، ولیکن هرگز با ایده آل‌های فطری انسان سازگار نیستند. لذا ضروری است که سیاستگذاران اولاً اصول اخلاق در اسلام را بشناسند و ثانیاً با مصادیق آن را تطبیق دهند و در سیاستها دخیل نمایند.

۳. الگوسازی در مناظره: از الگو در عربی به «أسوه» و «قدوه» تعبیر می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۳۲۴۸)، از این رو، برای بررسی مفهوم الگو در متون دینی، باید از این دو واژه بهره بگیریم. راغب اصفهانی می‌گوید: «أسوه حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند چه در کار خوب باشد و چه در کار بد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲) در قرآن کریم، در سه مورد واژه اسوه به کار رفته است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ می‌فرماید: «کلمه (اسوه) به معنای اقتداء و پیروی است... اشاره می‌کند به این که این وظیفه همیشه ثابت است، و شما همیشه باید به آن جناب تأسی کنید» (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۶/۴۵۱). البته از دیگر مصادیق تاسی به آن حضرت سرمشق ارائه دادن به جامعه است. الگوپذیری در میان افراد جامعه به عنوان یک امر اجتناب ناپذیر مطرح شده است؛ گابریل تارد^۱ از اندیشمندان عرصه روان شناسی اجتماعی معتقد است: «تقلید یک واقعه اجتماعی اساسی است و قوانینی وجود دارند که طبیعت و اثر تقلید را تشریح و توصیف می‌کنند. تحول اجتماعی نیز از این نظر ممکن است که افراد از آنچه تازه و خیره کننده است تقلید می‌کنند؛ یعنی جامعه بدون تقلید قابل تصور نیست.» (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۵) از اینرو سیاستگذاران در امر رسانه در مناظره‌ها باید هم روش و الگوی مناظره گفتگو را به جامعه القا کنند و هم الگوی اخلاقی مناظره را، چرا که در این صورت فضای سالم گفتگو، به گفتمانی اخلاق محور تبدیل می‌گردد.

۴. مسئول بودن دستگاهها و افراد: رسانه‌ها بیشتر به برخوردها، اختلاف نظرها، و کمتر به ثبات و تداوم و سازگاری اخلاقی علاقمند هستند اگر دست‌اندرکاران رسانه‌ها در جهان اسلام مفهوم مسؤولیت اجتماعی را به عنوان سنگ بنای حرفه خود نپذیرند هرگز نمی‌توان از قواعد اخلاقی اسلامی تصویری داشت (ر.ک به: شیخ، ۱۳۷۵: ص ۲۱-۲۵). دستگاهها و افراد باید در

قبال فضای فرهنگی و اخلاقی جامعه خود را مسئول بدانند. بخصوص اینکه در دولت دینی ایجاد فضای سالم و به دور از تشنج از وظایف اولیه حکومت و نخبگان و خواص است.

۵. نظارت بر روند مناظرات: در عرصه‌ها و مناسبات فرهنگی عنصر نظارت همواره ضمانت اجرایی برای سیاست‌گذاری‌هاست. در زمینه نظارت بر امر مناظره باید چند نکته مد نظر قرار گیرد: الف) شاخصه‌های نظارت باید دقیق و صریح باشد، چرا که در غیر این صورت سنگ محکی برای میزان پابندی به الزامات اخلاقی در مناظرات وجود نخواهد داشت. مانند آنکه بین تخریب و انتقاد یا تذکر معایب و سیاه‌نمایی تمایز به وجود آید. ب) برای مواردی در مناظره که قانونی است ولی اخلاقی نیست تدبیری اندیشیده شود تا با تخطی در آن موارد اهداف مناظره تحت الشعاع قرار نگیرد. ج) در جهت تعالی اخلاقی و محتوایی اقدام به نظرسنجی عمومی شود تا هم محتوای مناظرات با رضایت عمومی همراه شود و هم با نیازهای سطوح مختلف جامعه تطبیق داده شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این تحقیق بیان گشت، اخلاق در مناظره در استراتژی حکومتداری خوب نقشی بسزا و تاثیرگذار دارد. بگونه‌ای که اهتمام به ابعاد این فرآیند شامل شناخت، اهمیت، لزوم، شرایط، اهداف، نتایج، دستاوردها و فواید، لوازم، آداب و... می‌تواند به اشاعه فرهنگ مناظره کمک نماید. این موارد در صورتی به ایده‌آل‌های خود خواهد رسید که عنصر اخلاق را در مرحله ثبوتی و اثباتی مناظره دخیل کنیم. عنصر اخلاق در مناظره شامل رفتارها و کنشهایی است که بین مناظره‌کنندگان رعایت می‌شود ولی شاخصه‌های آن باید بر اساس اخلاق فردی و اجتماعی تعریف شود. در مناظره در حکومت اسلامی باید اخلاق را نسبت به طرف مقابل، مخاطبان، نظام حاکمیت، دین و خداوند تعریف و رعایت کرد. در دین اسلام اخلاق مداری به معنی پندار و رفتار بر اساس حق و کرامت و عدالت است. در این صورت است که مناظره ابزاری نرم افزاری برای انتقال اندیشه‌ها، نظریه‌ها و... خواهد بود و در ابعاد مختلف دینی، سیاسی، اجتماعی و... موجبات توسعه و پیشرفت را فراهم خواهد آورد. آنچه جالب توجه است این است که مناظره مبتنی بر اخلاق خود می‌تواند عاملی برای ترویج اخلاق در جامعه باشد و این باید در برنامه‌ریزی‌های مسئولین مورد توجه قرار بگیرد. ثمره رعایت این موضوع ارائه الگویی کارآمد به جهان خواهد بود که از روی یک مناظره با اخلاق، به مبانی نظری اخلاق در اسلام پی ببرند. لذا برای رسیدن به الگویی که هم در داخل و هم در خارج از مرزهای کشور به چارچوبی مطلوب تبدیل شود باید در وضع موجود تجدید نظر گردد و رفتارهای عملی مبتنی بر حکمت نظری اسلامی تعریف گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین. (۱۴۰۴ هـ.ق). الشفاء، قم: منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ.ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). تهذیب الاخلاق، ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر.
۵. الزبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: المكتبة الحیة.
۶. امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه‌ی نور امام، تهران: مؤسسه‌ی حفظ و نشر آثار امام خمینی.
۷. آقابخش، علی. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۸. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۳۵). غرر الحکم و درر الکلم، تالیف انصاری قمی، محمد علی، تهران: بی نا.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). شمس الوحی تبریزی، (محقق: علیرضا روغنی موفق)، قم، نشر اسراء.
۱۰. جلی، پیمان. (بهار ۱۳۸۳). «اخلاق حرفه‌ای خبر در اسلام»، فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۲۱.
۱۱. خاشعی، وحید. (زمستان ۱۳۸۸). «بایسته‌های اجتماعی در سیاستگذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی»، تهران: مجله رسانه، شماره ۸۰.
۱۲. دال، رابرت. (۱۳۷۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: مرنديز.
۱۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه، زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.
۱۵. سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین ابن علی. (۱۳۸۹). منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ترجمه: دکتر سید محمد باقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سی و دوم.
۱۷. شیخ، مغیث الدین. (پاییز ۱۳۷۵). «چارچوب اسلامی اخلاق رسانه‌ای مسایل چالش‌ها»، تهران: مجله رسانه، شماره ۳.
۱۸. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۰ ق). أمالی الصدوق، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ ق). مشکاة الانوار، نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۰. طوسی، محمد علی. (۱۳۷۰). مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۲۲. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۶۷). المیزان (ترجمه)، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ سوم.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، نوشته حسینی اشکوری، احمد، تهران: مکتبه المرتضویه.

۲۶. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۶۲). *اخلاق حسنه*، ترجمه ساعدی، محمدباقر، تهران: نشر پیام آزادی - عدالت.
۲۷. قائمی مقدم، محمد رضا. (۱۳۸۲). «روش الگویی در تربیت اسلامی»، *فصلنامه معرفت*، سال دوازدهم، شماره ۶۹ قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۸. کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۶). *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی*، تهران: ققنوس.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). *زندگی در پرتو اخلاق*، قم: نسل جوان.
۳۱. مصباح، محمدتقی. (۱۳۷۳). *فلسفه اخلاق (دروس فلسفه اخلاق)*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم.
۳۲. مصفا، نسرین. (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. محسنیان راد، مهدی. (زمستان ۱۳۷۵). *مدلی برای روزنامه نگاری در جوامع اسلامی*، تهران: مجله رسانه، شماره ۴.
۳۶. مولانا، حمید. (زمستان ۱۳۷۵). «*اخلاق حرفه‌ای و آماده سازی سیاسی - اجتماعی روزنامه‌نگاران مسلمان*»، تهران: مجله رسانه، شماره ۴.
۳۷. مطهری فرد، مرتضی، میرجلیلی، سیدمحمد مهدی. (۱۳۹۴). *مناظره و امنیت ملی*، تهران: جیل‌المتین.
۳۸. نیکزاد، احمد. (بهار ۱۳۷۹). «*جامعه‌شناسی سیاسی: بررسی میزان مشارکت مردم در انتخابات شورای اسلامی شهر قم*»، قم: نامه قم، شماره ۹.
۳۹. نیشابوری، رضی الدین ابوجعفر محمد. (۱۳۴۱). *مکارم اخلاق (دو رساله در اخلاق)*، به کوشش: محمد تقی دانش پژوه، تهران: دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران.
۴۰. نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۵۵ ش). *اساس الاقتباس*، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
۴۱. *بیانات مقام معظم رهبری*، قابل دسترسی در پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای